بسم الله الرحمن الرحیم

واقعه غدیر خم و اهمیت آن[1]

نویسنده: آیت الله جاودان

سرتاسر حیات طیبه رسول اکرمﷺ و لحظه به لحظه آن در نزد مسلمانان دارای اهمیتی بس شگرف و والاست؛ چراکه نه تنها کلام رسول اکرم به نص صریح آیات قرآن، عاری از هرگونه هوا و هوس و متصل به سرچشمه وحی است[2]، بلکه عمل و فعل آن بزرگوار نیز بر تک تک مسلمانان حجت است و صراط مستقیم را به عالمیان می‌نمایاند.[3] اما در این میان، مقاطعی خاص از زندگی آن بزرگوار، به جهات گوناگون از اهمیتی ویژه برخوردار می‌باشد که یکی از بارزترین آنها، واقعه غدیر خم است. واقعه غدیر از ابعاد مختلف و از جهات متفاوت، دارای درخشندگی و تلألؤ خاصی در تاریخ اسلام است. کمتر مقطع تاریخی را می‌توان در جهان اسلام یافت که از لحاظ سند، اطمینان از اصل وقوع، کثرت راویان و اعتماد بزرگان و علمای مسلمین، قوت و استحکامی نظیر این رویداد مهم داشته باشد.

هنگامی که به راویان حدیث غدیر می‌نگریم، در مرتبه نخست نام اهل بیت گرامی رسول خدا ﷺ یعنی امام علی علیه‌السلام فاطمه زهرا علیهاالسلام امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام دیده می‌شود و در مرتبه بعدی نام حدود ۱۱۰ تن از صحابه پیامبر اسلامﷺ [4] به چشم می‌خورد که در این میان، نام افرادی شاخص از میان صحابه همچون:

ابوبکر بن ابی‌قحافه	عمر بن الخطاب	عثمان بن عفان
عایشه بنت ابی‌بکر	سلمان فارسی	ابوذر غفاری
عمار یاسر	زبیر بن عوام	عباس بن عبدالمطلب
ام سلمه	زید بن ارقم	جابر بن عبدالله انصاری
ابوهریره	عبدالله بن عمر بن الخطاب	

و... توجه آدمی را به خود جلب می‌کند که تمامی آنان در محل غدیر حاضر بوده‌اند و حدیث غدیر را بدون واسطه نقل نموده‌اند. سپس در میان تابعین[۵]، حدیث غدیر از ۸۳ تن از تابعین نقل شده است که از جمله آنان می‌توان به:

۱- اصبغ بن نباته

۲- سالم بن عبدالله بن عمر بن الخطاب

۳- سعید بن جبیر

۴- سلیم بن قیس

۵- عمر بن عبدالعزیز(خلیفه اموی)

و... اشاره نمود.

پس از تابعین، در میان علمای اهل تسنن از قرن دوم تا قرن سیزدهم، ۳۶۰ تن، حدیث غدیر را در آثار خویش نقل نموده‌اند که ۳ تن از صاحبان صحاح سته (صحاح ششگانه)[۶]و دو تن از پیشوایان فقهی اهل تسنن[۷] نیز در شمار این بزرگان جای دارند.[۸]

در بین محدثین و علمای شیعه نیز افراد فراوانی حدیث غدیر را در کتب مختلف، روایت نموده‌اند، که تعداد دقیق آنان مشخص نیست. از این اندیشمندان می‌توان به:

۱- شیخ کلینی

۲- شیخ صدوق

۳- شیخ مفید

۴- سید مرتضی

و... اشاره نمود.[۹]

بنا بر آنچه که ذکر گردید، در میان بزرگان و محدثین اهل سنت و به دنبال دقت آنان بر روی راویان و طرق متفاوت نقل حدیث غدیر، اندیشمندان بسیاری، حدیث غدیر را حدیثی حسن[۱۰][۱۱]و عده کثیری روایت غدیر را روایتی صحیح[۱۲]دانسته‌اند[۱۳] و حتی نزد عده‌ای از

بزرگترین صاحبنظران اهل تسنن، با توجه به شمار فراوان راویان و طرق متعدد نقل حدیث، که روایت غدیر دارد،آنرا حدیثی متواتر[۱۴]ذکر نموده‌اند.[۱۵] علما، بزرگان و محدثین شیعه نیز بالاتفاق، غدیر را حدیثی متواتر می‌دانند. [۱۶][۱۷]

بر این اساس و بر طبق آنچه که گذشت، به خوبی آشکار می‌گردد یکی از مهمترین وقایع تاریخ پرفراز و نشیب اسلام که در بین عامه مسلمانان، واقعه‌ای مسلم، پذیرفته شده و قطعی تلقی می‌گردد، واقعه غدیر خم است.

از منظری دیگر، آنچه که بر گونه غدیر، رنگ جاودانگی می‌زند؛ و اهمیت این واقعه را مضاعف می‌گرداند، نزول ۲آیه از قرآن‌کریم، یکی آیه ۶۷ سوره مائده[۱۸] و دیگری آیه ۳ سوره مائده،[۱۹] در ارتباط با این رویداد بزرگ است که بر طبق نظر مفسران نام‌آور شیعه و سنی، شأن نزول این آیات، مربوط به واقعه غدیر خم می‌باشد.[۲۰] [۲۱] هنگامی که کمی بیشتر در مقایسه مفاد این آیات و لحن آنها با سایر آیات قرآن کریم می‌اندیشیم، درمی‌یابیم اگر نگوییم چنین آهنگ کلامی در میان سایر آیات بی‌نظیر است، لااقل کمتر آیه‌ای را می‌توان یافت که مضامین و لحنی شبیه به این دو آیه داشته باشد. طبیعی است هر مسلمان هنگامی که در تلاوت قرآن بدین دو آیه می‌رسد، شگفت زده از خویش بپرسد این چه امر خطیری است که عدم ابلاغ آن توسط پیامبر اکرمﷺ ، زحمات ۲۳ ساله آن حضرت را تباه می گرداند و در این صورت نبی اکرمﷺ هرگز رسالت خویش را به مردم نرسانده و وظیفه پیامبری را بجای نیاورده است؟ واقعاً این چه پیامی است که خداوند متعال به پیامبر خویش وعده داده است تا او را در زمینه ابلاغ آن، حافظ و نگهدار باشد؟ به علاوه، مگر این موضوع چه اهمیتی دارد که ابلاغ این پیام به امت و پیروی مردم از آن، سبب کامل شدن دین و تمام شدن نعمت و رضایت پروردگار می‌گردد؟

پس دیگر جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که روز نزول و ابلاغ این امر مهم و خطیر که بدین واسطه، روز اکمال دین و رضایت پروردگار محسوب می‌گردد، دارای اهمیت بسزایی در میان مسلمین خواهد بود.[۲۲]

از آنچه که گذشت، مشخص می گردد علاوه بر مورخان که به تناسب فن خویش (و البته به دلیل اثرات و نتایجی که بر پایه این مطالعه بنا می‌گردد)، به واقعه غدیر نگاهی موشکافانه دارند،[۲۳] غدیر از آن جهت که حدیثی قطعی و متواتر است و کار یک محدث، شناسایی احادیث معتبر و دقت بر روی مفاهیم آنهاست، مورد توجه محدثین است[۲۴] و دارای جایگاهی ویژه در کتب مختلف حدیث می‌باشد. به خاطر نزول ۲ آیه ویژه از قرآن کریم درباره این واقعه که القاکننده مفهومی منحصر بفرد و دارای لحنی کم‌نظیر در میان سایر آیات است، غدیر منشأ بحثهای گوناگونی در کتب تفسیری می‌باشد.[۲۵] با تکیه بر مفاهیم این آیات و اثرات شگرف اعتقادی مترتب بر آن، این واقعه منظور نظر مخصوص متکلمان واقع گشته است.[۲۶] حتی لغویین نیز توجه خاص خویش را به این رویداد مهم معطوف داشته‌اند و به هنگام شرح و توضیح کلمه غدیر خم (که نام محلی است)، به اصل این رویداد اشاره نموده‌اند.[۲۷] ادیبان و شعرای بسیاری در میان امت اسلامی در طول ۱۴ قرن، از همان لحظه وقوع و در همان صحنه گرفته تا روزگار معاصر، همواره این واقعه بزرگ را در آثار و اشعار خویش، توصیف و تشریح نموده‌اند.[۲۸]

آنچه که تاکنون ذکر شد، گوشه‌ای از اهمیت رویداد غدیر خم بود که در حد گنجایش این مقاله، به آن اشاره گردید. ما در این مجال به دنبال جستجو و تحقیق درباره این رویداد بزرگ اسلامی و این بُرهه از حیات رسول اکرمﷺ می‌باشیم تا هرچه بیشتر و البته با رعایت اختصار، بتوانیم زوایای گوناگون آن را بررسی نماییم. لذا در ادامه، ابتدا اصل واقعه را به گونه‌ای که در بین مسلمین مشهور و مورد اتفاق است، نقل نموده، سپس به بررسی مفاد حدیث غدیر می‌پردازیم و بر روی مفاهیم آن، هرچه بیشتر تأمل می‌نماییم و در انتها نیز نتایجی را که به دنبال واقعه غدیر جلوه‌گر می‌گردد و مستلزم توجه ویژه مسلمانان می‌باشد، بر می شماریم.

- **واقعه غدیر خم**

پیامبر اکرم بنا بر امر الهی، در سال دهم هجرت تصمیم به زیارت خانه خدا و بجاآوردن حج نمودند؛ لذا مردم را از این امر مطلع کردند[۲۹] و حتی برای آگاه نمودن اهالی مناطق مختلف، قاصدانی را به آن شهرها گسیل داشتند. فرستادگان حضرت نیز همانگونه که وجود مقدس رسول اکرمﷺ خود اعلام نموده بودند، این پیام را به مردم رساندند که این آخرین حج رسول خداست و این سفر دارای اهمیت فراوانی است. هر کس که توانایی و استطاعت آن را دارد، بر او لازم است که پیامبر اکرمﷺ را در این سفر همراهی نماید. گرچه رسول اکرمﷺ با همراهی عده‌ای از اصحاب خویش پیش از این، اعمال عمره مفرده را انجام داده بودند،[۳۰] اما این نخستین بار و تنها مرتبه‌ای در طول حیات طیبه پیامبر اسلام بود که بنا بر امر الهی، حضرت تصمیم به بجای آوردن و تعلیم مناسک حج گرفتند. پس از این اعلام، جمعیت کثیری در مدینه جهت همراهی با رسول خداﷺ و بجای آوردن اعمال حج، مجتمع گشتند. مورخان و صاحب‌نظران از این سفر رسول خداﷺ با عنوان حجةالوداع[۳۱]،حجةالاسلام، حجةالبلاغ[۳۲]، حجة الکمال وحجة التمام[۳۳]یاد می‌نمایند.

رسول اکرمﷺ با پای پیاده و در حالی که غسل نموده بودند، در روز شنبه ۲۴ یا ۲۵ ذیقعده به همراه همراهان خود و اهل‌بیت گرامیشان و عامه مهاجرین و انصار و جمعیت کثیری که گرداگرد حضرت اجتماع کرده بودند، به قصد بجای آوردن مناسک حج از مدینه خارج گشتند. تعداد جمعیتی که به همراه حضرت از مدینه خارج شده بودند را بین ۷۰۰۰۰تا ۱۲۰۰۰۰(و حتی برخی بیشتر از ۱۲۰۰۰۰)نقل نموده‌اند؛[۳۴] اما افراد بسیاری به غیر از این عده، نظیر اشخاصی که در مکه مقیم بودند و یا اشخاصی که از شهرهای دیگر خود به مکه آمده و در آنجا به حضرت ملحق شدند، به همراه پیامبر و با اقتدای به ایشان مناسک حج را در این سفر بجای آورده و رسول خداﷺ را همراهی نمودند. امام علی، پیش از تصمیم پیامبر برای بجای آوردن مناسک حج، از طرف ایشان برای تبلیغ اسلام و نشر معارف الهی به یمن فرستاده شده بودند؛ اما هنگامی که از تصمیم پیامبر برای سفر حج و

لـزوم همراهـی سـایر مسـلمین بـا آن حضـرت در ایـن سـفر، آگـاه گشـتند، بـه همـراه عـده‌ای از یمـن بـه سـمت مکـه حرکـت نمودنـد و در آنجـا پـیش از آغـاز مناسـک، بـه رسـول اکـرم ﷺ ملحـق شدند.[۳۵]

رسـول خـدا ﷺ و همراهیـان آن حضـرت، در میقـات مسـجد شـجره مُحـرم گشـتند و بـدین ترتیـب اعمـال حـج را آغـاز نمودنـد. گرچـه اصـول و کلیـات مناسـک حـج قـبلاً و بـه هنگـام نـزول آیـات مربوطـه، توسـط رسـول اکـرم ﷺ توضـیح داده شـده بـود، امـا در ایـن سـفر، پیـامبر ایـن اعمـال را بـه طـور عَملـی بـرای مـردم آمـوزش داده و جزئیـات را بـرای آنـان تبـین نمودنـد و در مواقـف گونـاگون، با ایراد خطابه، مردم را نسبت به سایر تکالیف الهی و وظایف شرعیشان آگاهی بخشیدند.

سـرانجام اعمـال حـج، پایـان یافـت و پیـامبر اکـرم ﷺ بـه همـراه جمعیـت کثیـری کـه ایشـان را همراهـی مـی‌نمودنـد، شـهر مکـه را تـرک نمودنـد و رهسـپار مدینـه شـدند کـه در بـین راه بـه محـل غدیر خم رسیدند.

غـدیر در لغـت بـه معنـای آبریـز و مسـیل،[۳۶] و غـدیر خـم در جغرافیـا، نـام محلـی اسـت کـه بـه خـاطر وجـود برکـه‌ای در ایـن محـل، کـه در آن آب بـاران جمـع مـی شـده اسـت، بـه ایـن نـام (غـدیر خـم) شـهرت یافتـه اسـت. غـدیر در ۳ - ۴ کیلـومتری جُحفـه واقـع شـده و جحفـه در ۶۴ کیلـومتری مکـه قـرار دارد کـه یکـی از میقاتهـای پنجگانـه مـی‌باشـد. در جحفـه راه اهـالی مصـر، مدینـه، عـراق و شـام از یکـدیگر جـدا مـی‌شـود.[۳۷] غـدیر خـم بـه علـت وجـود مقـداری آب و چنـدین درخـت کهنسـال، محـل توقـف و اسـتراحت کاروانیـان واقـع مـی‌شـد امـا دارای گرمـایی طاقـت فرسـا و شدید بود.[۳۸]

هنگـامی کـه رسـول اکـرم در روز ۵شـنبه ۱۸ذی‌الحجـه بـه وادی غـدیر خـم رسـیدند و پـیش از جـدایی اهـالی شـام، مصـر و عـراق از میـان جمعیـت، جبرئیـل امـین از جانـب خداونـد بـر ایشـان نـازل گردیـد و آیـه: « یـا أیهـا الرّسـول بلّـغ مـا أنـزل الیـک مـن ربّـک فـان لم تفعـل فـما بلّغـت رسـالته و الله یعصـمک مـن النّـاس »[۳۹] را نـازل نمـود و از جانـب حـق تعـالی، رسـول اکـرم ﷺ را امـر نمـود تـا حکـم آنچـه را

که در قبل بر پیامبر درباره امام علی(ع) نازل گشته بود، به مردم ابلاغ نمایند. در این هنگام، پیشتازان کاروان و افرادی که جلوتر حرکت می‌نمودند، حوالی جحفه رسیده بودند. رسول اکرم ﷺ پس از نزول آیه، دستور توقف کاروانیان را صادر نمودند و امر فرمودند تا آنانی که پیشاپیش حرکت می‌نمودند، به محل غدیر بازگردند و افرادی که در پس قافله، عقب مانده بودند، سریعتر به کاروان در این وادی، ملحق شوند.[۴۰] همچنین به چند تن از صحابه دستور دادند تا فضای زیر چند درخت کهنسال را که در آن محل قرار داشتند، آماده نمایند؛ خارها را از زمین برکنند و سنگهای ناهموار موجود در زیر آن درختان را جمع‌آوری نمایند. در این هنگام، زمان به جای آوردن نماز ظهر فرارسید و رسول اکرم ﷺ فریضه ظهر را در گرمای شدید،[۴۱][۴۲] به همراه جمعیت کثیر حاضر، ادا نمودند. شدت گرما در وادی غدیر به حدی بود که اشخاص، گوشه‌ای از ردا و لباس خویش را برای در امان بودن از شدت تابش آفتاب، بر سر می‌افکندند و مقداری از آنرا برای کاستن از شدت گرمای شنها و سنگها، در زیر پای خویش می‌گستردند.[۴۳] برای رسول خدا ﷺ نیز پارچه‌ای بر روی شاخسار آن درختان کهن افکندند تا مانعی در برابر حرارت موجود و تابش خورشید، ایجاد نمایند. هنگامی که حضرت از نماز فارغ گشت، از جهاز شتران، در همان محلی که به فرمان رسول خدا توسط صحابه آماده شده بود، منبری ساختند و وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ بر فراز آن در آمدند و شروع به ایراد خطبه، با صدایی بلند و رسا نمودند؛ در حالی که جمعیت فراوان همراه پیامبر، بر گرداگرد حضرت جمع گشته بودند و به سخنان نبی‌اکرم ﷺ گوش فرا می‌دادند و برخی از افراد نیز برای آنکه همگان از کلام رسول خدا ﷺ مطلع گردند، سخنان آن حضرت را با صدایی بلند برای افرادی که دورتر قرار داشتند، تکرار می‌نمودند.

خطابه حضرت در میان جمعیت بدین گونه ایراد گردید:

«حمد و ستایش مخصوص خداوند است و از او یاری می‌خواهیم و به او ایمان داریم و از شرور نفسهایمان و زشتیهای کردارمان، به او پناه می‌بریم؛ خداوندی که هدایتگری وجود ندارد برای کسانی که گمراهشان نماید و گمراه کننده‌ای وجود ندارد برای اشخاصی که او هدایتشان نماید و شهادت می‌دهم که جز خدا، معبودی نیست و محمدﷺ بنده و فرستاده اوست و اما بعد؛ ای مردم، خداوند لطیف و خبیر (دارای لطف فراوان و بسیار آگاه) مرا خبر داد که من به زودی (به سوی او) فرا خوانده می‌شوم و (دعوت او را) اجابت خواهم نمود.[۴۴] من مسئول هستم و شما نیز مسئولید. پس (درباره دعوت و مسئولیت من) چه می‌گویید؟ »

حاضران در پاسخ گفتند: « شهادت می‌دهیم که دعوت خویش را ابلاغ نمودی و نصیحت کردی و کوشش نمودی، پس خداوند شما را جزای خیر دهد.»[۴۵]

سپس رسول خدا ﷺ فرمودند: « آیا شهادت نمی‌دهید که معبودی جز خدا نیست و محمدﷺ بنده و فرستاده اوست؟ و (آیا شهادت نمی‌دهید که) بهشت و دوزخ خداوند، حق است و مرگ، حق است و قیامت می‌آید و در آن شکی نیست و خداوند کسانی را که در قبرها هستند مبعوث می‌گرداند؟»

حاضران گفتند: « بله ای رسول خدا، شهادت می‌دهیم.»

سپس در ادامه، رسول اکرم خداوند را بر این امر شاهد گرفتند و از مردم پرسیدند: « آیا (کلام مرا) می‌شنوید؟»

حاضرین گفتند: « بله یا رسول‌الله.»[۴۶]

پس حضرت فرمودند: « من پیش از شما در کنار حوض (کوثر) حاضر می‌گردم و شما در کنار آن بر من وارد می‌گردید و عرض آن به اندازه فاصله مابین بُصری (شهری در حوالی شام) و صَنعا (شهری در یمن) می باشد. در آن قدحهایی به تعداد ستارگان، از جنس نقره است؛ پس بنگرید که پس از من چگونه درباره ثقلین (دو شئ گرانبها) رفتار می‌نمایید.»

در این هنگام فردی ندا داد که « ثقلین چه هستند ای رسول خدا؟»

رسول اکرم فرمودند: « ثقل اکبر کتاب خداست. جانبی از آن به‌دست خداوند و جانب دیگر آن در دستان شماست. پس به آن متمسک شوید. (آنرا گرفته و از هدایت آن بهره برید.) که اگر به آن تمسک جویید، گمراه نمی‌شوید و ثقل دیگر و کوچکتر، عترت من هستند. خداوند لطیف خبیر مرا خبر داد که این دو ثقل تا هنگامی که در کنار حوض بر من وارد شوند، از یکدیگر جدا نمی‌گردند[۴۷] و من این را از پروردگارم مسئلت نموده‌ام. پس، از این دو پیشی نگیرید که هلاک می‌گردید و از این دو، باز نمانید که هلاک می‌شوید.[۴۸]»

سپس رسول خدا، دست امام علی را بلند نمود تا همه مردم، ایشان را در کنار رسول خدا مشاهده نمودند.[۴۹] در این هنگام رسول اکرمﷺ از حاضرین پرسیدند: « ای مردم، آیا من از خود شما، بر شما اولی و مقدم تر نیستم؟»[۵۰][۵۱]

مردم پاسخ دادند: « بله، ای رسول خدا.»[۵۲]

حضرت در ادامه فرمودند: «خداوند ولی من است و من ولی مؤمنین هستم و من نسبت به آنان از خودشان اولی و مقدم می‌باشم.»[۵۳]

آنگاه فرمودند: « پس هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست.»[۵۴]، رسول خدا ﷺ بار این جمله را تکرار نمودند[۵۵] و فرمودند: «خداوندا، دوست بدار و سرپرستی کن، هر کسی که علی را دوست و سرپرست خود بداند و دشمن بدار هر کسی که او را دشمن می‌دارد[۵۶] و یاری نما هر کسی که او را یاری می نماید و به حال خود رها کن، هر کس که او را وا می‌گذارد.[۵۷]»

سپس خطاب به مردم فرمودند: «ای مردم، حاضرین به غایبین (این پیام را) برسانند.»[۵۸]

هنوز جمعیت متفرق نگشته بودند که بار دیگر جبرائیل نازل شد و از جانب خداوند، آیه: « أليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الإسلام ديناً»[۵۹] را بر پیامبر فرو فرستاد.

هنگامی که این آیه نازل گردید، نبی اکرمﷺ فرمودند: «اللهاکبر بر کامل شدن دین و تمام گشتن نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی پس از من.»[۶۰]

در این موقع، مردم به امیرمؤمنان، امام علی‌علیه‌السلام تهنیت گفتند. از جمله کسانی که پیشاپیش سایر صحابه، به امام علی‌علیه‌السلام تهنیت گفتند، ابوبکر و عمر بودند. عمر پیوسته خطاب به امیر مؤمنان می‌گفت: « بر تو گوارا باد ای پسر ابیطالب، تو مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمان گشتی.»[۶۱]

در این هنگام، حسّان بن ثابت که از شعرای زبردست بود از رسول اکرم ﷺ اجازه خواست تا آنچه را که در این موقف درباره امام علی‌علیه‌السلام از رسول اکرم ﷺ شنیده است، در ضمن ابیاتی بسراید. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «به برکت الهی، بگو.» حسّان، خطاب به بزرگان قریش گفت: «ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید.» و این چنین سرود:

«در روز غدیر پیامبرشان با بانگ بلند ندایشان در داد، غدیری که در سرزمین خم قرار داشت و ای کاش مردم جهان بودند و رسول خدا را در حال ندا می‌دیدند که می‌فرمود: آیا من سرپرست و ولی شما نیستم؟

مردم در پاسخ او بدون هیچ پرده پوشی گفتند: معبود تو، مولای ما و تو ولی ما هستی؛ و تو ای خواننده شعر، اگر در آنجا بودی، حتی یک نفر هم مخالف نمی یافتی.

در این هنگام رو به علی‌بن‌ابیطالب‌علیه‌السلام کرد و فرمود: یا علی، برخیز که من تو را برای امامت و هدایت خلق بعد از خود (و از جانب خداوند) شایسته دیدم.»[۶۲][۶۳]

آنچه ذکر شد، خلاصه جریان غدیر بود و همانگونه که در پاورقی‌ها، با تفصیل ذکر گردید، علمای بزرگ اهل تسنن و تشیع، آنرا نقل نموده‌اند. به یاری و توفیق الهی در ادامه و در مقاله‌ای مجزا، به بررسی مفاد حدیث غدیر و دقت هرچه بیشتر در آن خواهیم پرداخت.

پانوشت ها:

۱. با توجه به کثرت منابعی که حدیث غدیر را ذکر نموده‌اند و طرق متعدد نقل آن، توجه شما خواننده گرامی را به این نکته جلب می‌نماییم که نام آن تعداد از مسانید، منابع و اشخاصی را که در شماره‌های مختلف پاورقی‌ها مشاهده می‌نمایید، تنها بخش اندکی از مستندات، مراجع و اشخاصی است که نقل آن قسمت، مستند به آنهاست و به جهت رعایت اختصار، نام تمامی منابع در هر قسمت ذکر نگردیده است.

۲. خداوند در آیه ۳ و ۴ سوره نجم، این امر را ذکر می‌نماید و می‌فرماید: "و ما ینطق عن الهوی(۳) ان هو الا وحی یوحی(۴)" – "هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید(۳) آنچه می گوید، چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.(۴)"

۳. یکی از طرقی که مسلمانان بدان وسیله می توانند به حکم الهی دست یابند، مطالعه و بررسی سنت نبوی و سیره رسول خداست؛ که از جایگاه ویژه ای در بین تمامی مسلمانان جهت دستیابی به اوامر الهی برخوردار است. این مطلب، از آیات مختلف قرآن استفاده می گردد. به عنوان مثال، خداوند در آیه ۲۱ سوره احزاب می فرماید:

۴. "لقد کان لکم فی رسول الله أسوۀ حسنۀ لمن کان یرجوا الله و الیوم الآخر و ذکر الله ذکراً کثیراً "

۵. "مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند."

۶. در این آیه، مسأله اسوه بودن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به طور مطلق و بدون قید و شرط، از جانب پروردگار، مطرح شده است؛ لذا کلیه شئون رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اعم از گفتار و رفتار آن بزرگوار را شامل می گردد و رفتار و گفتار ایشان در تمامی موارد، برای پیروان آن حضرت، اسوه می باشد و باید در آن امور به حضرت تأسی نمایند. (مگر آن دسته از اموری که از جانب خداوند معین گردیده است که عمل به آنها از مختصات شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد و تبعیت در آن امور، بر سایرین لازم نیست؛ نظیر وجوب نماز شب بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم).)

۷. لفظ "صحابه" یا "صحابی" به عده ای اطلاق می گردد که لااقل در طول عمر خویش، یک بار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را ملاقات نموده و از محضر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، استفاده کرده باشند.

۸. "تابعین" کسانی هستند که محضر رسول خدا را درک ننموده اند، اما مصاحب و همنشین صحابه بوده اند.

۹. این سه تن عبارتند از:

الف) ابو عیسی، محمد بن عیسی ترمذی در صحیح ترمذی

ب) ابو عبدالرحمن، احمد بن شعیب نَسائی در سنن نَسائی

ج) ابو عبدالله، محمد بن یزید قزوینی (مشهور به ابن ماجه) در سنن ابن ماجه

۱۰. این دو تن عبارتند از:

الف) ابوعبدالله، احمد بن حنبل شیبانی (پیشوای حنابله)

ب) ابو عبدالله، محمد بن ادریس شافعی (پیشوای شافعیه)

ما در این مقاله جهت رعایت اختصار، به ذکر همین مقدار بسنده می کنیم. برای مطالعه تفصیلی در خصوص راویان حدیث غدیر در میان صحابه، تابعین و علمای اهل تسنن، به همراه مدارک و جزئیات بیشتر، می توانید به کتاب گرانقدر الغدیر، تألیف علامه امینی، جلد اول، صفحه ۱۵۹- ۱۴ مراجعه نمایید.

۱۱. مرحوم علامه امینی پس از نقل راویان حدیث غدیر، در قسمتهای بعدی الغدیر، نام کتبی را که در میان اهل تسنن به طور مجزا در خصوص واقعه غدیر خم تألیف شده است، برمی شمرد و احتجاجات مختلفی را که در طول تاریخ بر اساس رویداد غدیر صورت گرفته (از جانب بزرگان صحابه و یا حتی برخی خلفای اموی و عباسی و...) نقل می نماید و سپس بحث دقیقی را در زمینه مفاد حدیث غدیر و سند آن، طرح می کند. در فصول و مجلدات بعدی این کتاب ارزشمند نیز علامه امینی، نام شعرای فراوانی را که در میان امت اسلامی از هنگام وقوع رویداد غدیر تا کنون، این رویداد را در ضمن اشعار خویش نقل نموده اند (به همراه ذکر آثارشان) بر می شمرد، تا هرچه بیشتر این حقیقت تبیین گردد که غدیر در میان امت اسلامی، فراموش ناشدنی است.

۱۲. به غیر از کتاب گرانقدر الغدیر، کتب بی شمار دیگری نیز نظیر کتاب شریف عبقات الأنوار، تألیف میر حامد حسین هندی (که دارای تفصیل بیشتری نسبت به کتاب الغدیر در باره بحثهای مطرح شده در زمینه سند حدیث غدیر است) و فضائل الخمسة فی صحاح الستة، تألیف علامه فیروز آبادی و... موجود می باشد که به بررسی سند و دلالت این حدیث شریف در میان مسلمین پرداخته اند.

۱۳. این بزرگان در آثار متعدد خویش حدیث غدیر را نقل نموده اند که برای رعایت اختصار، تنها به ذکر یک اثر از هر کدام، که در آن اثر حدیث غدیر روایت شده است، بسنده می شود:

الف) شیخ کلینی در کافی

ب) شیخ صدوق در امالی

ج) شیخ مفید در ارشاد

د) سید مرتضی در شافی

۱۴. حدیث حسن، از لحاظ رتبه، در مرتبه بعد از حدیث صحیح قرار دارد و حدیثی است که رجال سند آن، ناشناخته و یا اهل غفلت، کثیر الخطا، متهم به کذب و یا فسق نباشند. (مقدمه ابن صلاح، صفحه ۱۷۵)

۱۵. از جمله این بزرگان می توان به ابو عبدالله گنجی در کتاب کفایة الطالب و... اشاره نمود همچنین عده ای دیگر از علمای اهل تسنن برخی از طرق نقل حدیث غدیر را "حسن" دانسته اند و برخی از طرق دیگر را صحیح ذکر نموده اند، نظیر ابن حجر در کتاب تهذیب التهذیب و...

۱۶. حدیث صحیح از دیدگاه اهل سنت، حدیثی است که دارای سندی متصل و بدون انقطاع تا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (و یا شخص دیگری که حدیث از او نقل می گردد)، باشد و تک تک راویان آن عادل محسوب شوند و همچنین حدیث دیگری نتوان یافت که دارای مفهومی بر خلاف آن باشد و به طور کلی هیچ گونه عیب و نقصی در آن یافت نشود. (مقدمه ابن صلاح)

۱۷. در این میان می توان به بزرگانی همچون ابوعیسی ترمذی در صحیح ترمذی (جلد ۵، باب ۲۰ (باب مناقب علی بن ابیطالب)، ذیل حدیث ۳۷۱۳) – ابوعبدالله حاکم نیشابوری در مستدرک صحیحین، طبری (بر طبق نقل ذهبی در تذکرة الحفاظ، جلد ۲، صفحه ۷۱۳، شماره ۷۲۸) – شمس الدین ذهبی در کتابی که به طور مجزا درباره حدیث غدیر تألیف نموده است (و همچنین بنا بر نقل ابن کثیر در البدایة و النهایة، جلد ۵، صفحه ۲۲۹-۲۲۸ که درباره یکی از طرق نقل حدیث غدیر می گوید: قال شیخنا ابوعبدالله ذهبی و هذا حدیث صحیح – شیخ ما ابوعبدالله ذهبی گوید که این حدیث، حدیثی صحیح است.) – ابوالحسن مغازلی در کتاب مناقب به نقل از استادش – ابن حجر هیثمی در صواعق المحرقه (صفحه ۴۳) – ابن عبد البر در الاستیعاب و... اشاره نمود که همگی حدیث غدیر را حدیثی "صحیح" برشمرده اند.

۱۸. حدیث متواتر از دیدگاه علم حدیث، به حدیثی گفته می شود که به علت کثرت نقل و طرق متعددی که روایت شده است، احتمال خدشه دار بودن آن و تبانی بین راویان مختلف بر سر جعل حدیث، از نظر عادی محال باشد. بنابراین حدیث متواتر حدیثی است که قطعاً از جانب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و یا سایرین، صادر شده است. (تهانوی در قواعد فی علوم الحدیث، صفحه ۳۲ و ۳۳)

۱۹. در میان قدما و علمای سلف اهل تسنن، بزرگانی همچون ذهبی (بر طبق نقل ابن کثیر در البدایهٔ و النهایهٔ، جلد ۵، صفحه ۲۳۳، ذیل یکی دیگر از طرق نقل حدیث غدیر) – جلال الدین سیوطی – شمس الدین جرزی شافعی در کتاب آسنی المطالب و...، و در میان معاصرین، اشخاصی همچون ضیاء الدین مُقبلی در کتاب الابحاث المسددهٔ فی الفنون المتعددهٔ، شهاب الدین ابوالفیض حَضرَمی در کتاب تشنیف الآذان و...، حدیث غدیر را حدیثی "متواتر" دانسته اند.

۲۰. از این میان می توان به عنوان نمونه به بزرگانی نظیر: خواجه نصیر الدین طوسی در تجرید الإعتقاد (مقصد خامس، فی الإمامهٔ، صفحه ۲۲۶) – شیخ طوسی در تلخیص الشافی (جلد ۲، صفحه ۱۶۸)– علامه حلّی در مناهج الیقین (صفحه ۴۷۵) اشاره نمود. به عنوان مثال، عبارت شیخ طوسی در کتاب تلخیص الشافی اینگونه است: "فإن الشیعهٔ قاطبهٔ تنقله و تواتر به – شیعیان همگی، آن را نقل کرده و متواتر برشمرده اند."

۲۱. باید توجه داشت که طرق متعدد و راویان مختلفی که هم اکنون برای حدیث غدیر در کتب گوناگون مسلمین موجود می باشد با وجود کثرت کم نظیر آن، تمامی طرقنقل حدیث غدیر نمی باشند و شواهد مختلف تاریخی بیانگر این مطلب است که بسیاری از طرق نقل حدیث غدیر و همچنین نام برخی دیگر از راویان آن در طول تاریخ، خواسته یا ناخواسته از بین رفته است و ما هم اکنون به آنها دسترسی نداریم. به عنوان مثال، سلیمان حنفی از علمای اهل تسنن در کتاب ینابیع الموده (جلد ۱، صفحه ۳۴) از ابی المعالی جوینی (ملقب به امام الحرمین و استاد ابو حامد غزالی) نقل می کند که او می گفت: در بغداد، کتابی را در دست صحافی مشاهده نمودم که در آن طرق مختلف نقل حدیث غدیر ذکر شده بود و بر روی آن نوشته شده بود که جلد ۲۸ از طرق نقل این گفتار رسول اکرم (ص): "من کنت مولاه فعلیّ مولاه"، و در پس آن مجلد ۲۹ آن نیز موجود بود. و یا ابن کثیر (از علمای اهل تسنن در قرن ۸)، در البدایهٔ و النهایهٔ (جلد ۵، صفحه ۲۲۷) نقل می کند که طبری (از علمای بزرگ قرن ۴، مورخ صاحب نام اهل تسنن و صاحب تاریخ و تفسیر طبری) نسبت به این حدیث

توجه داشت و ۲ جلد کتاب مجزا در زمینه طرق نقل حدیث غدیر و الفاظ آن تألیف نمود. (که در حال حاضر به هیچ یک از این دو کتاب، دسترسی نیست).

۲۲. "یا أیّها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربّک فان لم تفعل فما بلّغت رسالته و الله یعصمک من النّاس"

۲۳. "ای پیامبر، آنچه را از ناحیه پروردگارت به تو نازل شد، ابلاغ کن (و برسان) و اگر انجام ندهی (نرسانی)، اصلاً پیغام پروردگار را نرساندی و خدا تو را از (شر) مردم، نگه می دارد."

۲۴. "... الیوم أکملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً..."

۲۵. "... امروزست که دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم..."

۲۶. در بین مفسرین و علمای اهل تسنن به عنوان نمونه، می توان به افرادی نظیر: محمد بن جریر طبری در کتاب الولایة، ابوالحسن واحدی نیشابوری در اسباب النزول، حاکم حَسکانی در شواهد التنزیل و...، و در بین مفسرین شیعه می توان به عنوان نمونه به بزرگانی همچون شیخ طوسی در تبیان، ثقة الإسلام طبرسی در مجمع البیان، علامه طباطبائی در المیزان و... اشاره نمود که شأن نزول آیه ۶۷سوره مائده (آیه تبلیغ) را درباره واقعه غدیر ذکر نموده اند.

۲۷. در میان مفسرین شیعی، می توان به عنوان نمونه به بزرگانی همچون شیخ طوسی در تبیان، ثقة الاسلام طبرسی در مجمع البیان، علامه طباطبائی در المیزان و... و در بین علمای اهل تسنن، می توان به عنوان نمونه به افرادی نظیر: محمد بن جریر طبری در کتاب الولایة-حاکم حسکانی در شواهد التنزیل – خطیب بغدادی در تاریخش (جلد ۸، صفحه ۲۹۰- (حموینی در فرائد السمطین و... اشاره نمود که شأن نزول این فراز از آیه ۳سوره مائده (آیه اکمال) را درباره واقعه غدیر ذکر نموده اند.

۲۸. بحث و بررسی بیشتر بر روی مفاهیم این دو آیه به طور مجزا در قسمت امامت در قرآن، طرح خواهد شد.

۲۹. در میان این مورخان و از بین مورخان صاحب نام اهل تسنن می توان به: مسعودی در مُروج الذهب – بلاذُری در انساب الأشراف – ابن عساکر در تاریخش – خطیب بغدادی در تاریخش – ذهبی در تذکرة الحفاظ –ابن اثیر در أسد الغابة – سیوطی در تاریخ الخلفاء – شهرستانی در ملل و نحل و... اشاره نمود. در بین مورخان شیعه نیز می توان به عنوان نمونه به اشخاصی همچون یعقوبی در تاریخش، شیخ مفید در ارشاد، طبرسی در إعلام الوری و... اشاره نمود.

۳۰. در بین محدثان فراوانی که حدیث غدیر را در آثار خویش نقل نموده اند و در میان اهل تسنن می توان به عنوان نمونه به محدثینی نظیر: ابن ماجه در سنن خویش – ترمذی در صحیحش – نسائی در سنن الکبری – امام شافعیه ابوعبدالله محمد بن ادریس شافعی (بر طبق نقل ابن اثیر در کتاب نهایهٔ، جلد ۵، صفحه ۲۲۸) – امام حنابله احمد بن حنبل در مسند و همچنین در کتاب مناقب، اشاره نمود. در بین عده فراوان محدثین شیعه که این حدیث را در کتب روایی خویش نقل نموده اند نیز نام بزرگانی همچون شیخ صدوق در کتاب امالی – شیخ کلینی در کتاب کافی – شیخ طوسی در أمالی و... به چشم می خورد.

۳۱. در میان مفسرین متعدد اهل تسنن که به تناسب آیات قرآن کریم (اعم از شأن نزول آیات و یا به هنگام تفسیر آنها) به بررسی واقعه غدیر پرداخته اند، می توان به بزرگانی نظیر طبری –واحدی در اسباب النزول – فخر رازی در التفسیر الکبیر – قرطبی – سیوطی در الدرالمنثور و... اشاره نمود و در بین خیل فراوان مفسرین شیعه نیز که غدیر را در کتب تفسیری خویش نقل نموده اند، می توان از شیخ طوسی در تبیان – طبرسی در مجمع البیان –علامه طباطبائی در المیزان و... یاد نمود.

۳۲. در میان متکلمین اهل تسنن که به تناسب مباحث مطرح شده در علم کلام، ناگزیر، به بررسی واقعه غدیر پرداخته اند، می توان به سید شریف جرجانی در شرح مواقف – سیوطی در کتاب اربعینش – آلوسی در نثر اللئالی – تفتازانی در شرح مقاصد – قوشجی در شرح تجرید و ...اشاره نمود. متکلمین شیعه نیز نظیر خواجه نصیر الدین طوسی در متن تجرید الإعتقاد –علامه حلّی در شرح تجرید الإعتقاد – سید مرتضی در الشافی – شیخ طوسی در تلخیص الشافی و... در کتب کلامی ذکر شده به بررسی این واقعه مهم پرداخته اند.

۳۳. در میان لغویین و علمای لغت که در کتب خویش متذکر واقعه غدیر شده اند، می توان به ابن اثیر در نهایهٔ، حموی در معجم البلدان، زبیدی حنفی در تاج العروس و... اشاره نمود.

۳۴. شعرای بسیار فراوانی در طول ۱۴قرن گذشته در میان سایر فرق اسلامی، واقعه غدیر را در اشعار خویش، متضمن شده اند و کمتر رویدادی در میان شعرا این چنین بازتاب گسترده ای داشته است. در این بین می توان به افرادی همچون حسّان بن ثابت، عمرو عاص، کمیت بن زید اسدی، سید حمیری، دعبل بن علی خزاعی و... اشاره کرد.

۳۵. مدارک اهل تسنن: تاریخ اسلام ذهبی، بخش مغازی، صفحه ۷۰۱ – المنتظم، جلد ۴، صفحه ۵ – سیره حلبیه، جلد ۳، صفحه ۳۰۸.

۳۶. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۱ – إعلام الوری، صفحه ۱۳۷.

۳۷. یکی از این سفرها، یک سال پس از صلح حدیبیه – که میان مسلمین و مشرکان مکه روی داد – واقع شد.

۳۸. نامگذاری این سفر به حجۀ الوداع، از آن جهت است که این سفر حج، آخرین سفر حج رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در طول عمر پربرکتشان بوده است و همانگونه که پیامبر خود نیز اعلام نموده بودند، پس از این سفر (حدود ۲ ماه و نیم بعد)، روح والای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از جسم خاکی مفارقت نمود و در اعلی علیین مأوا گرفت.

۳۹. ظاهراً این نامگذاری به علت نزول آیه تبلیغ (آیه ۶۷سوره مائده) در پایان این سفر و در جریان واقعه غدیر خم بوده است.

۴۰. اینگونه به نظر می آید که تناسب این نامگذاری به جهت مفاد آن فراز از آیه ۳ سوره مائده می باشد که در انتهای این سفر و در محل غدیر خم، بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گردید.

۴۱. مدارک اهل تسنن:تذکرۀ خواص الأمّۀ، صفحه ۳۰ – سیره حلبیه، جلد ۳، صفحه ۳۰۸ – سیره احمد زینی دحلان، جلد ۳، صفحه ۳.

۴۲. مدارک شیعه: احتجاج طبرسی، جلد ۱، صفحه ۵۶ (طبرسی تعداد همراهان رسول خدا را ۷۰٬۰۰۰ یا بیشتر ذکر می نماید).

۴۳. مدارک اهل تسنن: صحیح بخاری، جلد ۲، باب ۸۱، حدیث ۲، صفحه ۱۵۹ و جلد ۳، کتاب العمرۀ، باب عمرۀ التنعیم، صفحه ۴ – صحیح مسلم، جلد ۴، باب اهلال النبی و هدیه، حدیث اول، صفحه ۵۹ – البدایۀ و النهایۀ، جلد ۵، صفحه ۲۲۷ – سیره حلبیه، جلد ۳، صفحات ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۳۶.

۴۴. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۲ – إعلام الوری، صفحه ۱۳۸.

۴۵. لسان العرب، ریشه غدر، ذیل کلمه الغدیر.

۴۶. معجم البلدان، ذیل کلمه جحفه.

۴۷. ابن خلکان در وفیات الاعیان (جلد ۵، صفحه ۲۳۱) از حازمی نقل می نماید: "و هذا الوادی موصوف بکثرۀ الوخامۀ و شدۀ الحر"

۴۸. "این وادی، به هیچ وجه قابل سکونت نبوده و هوای آن شدیدا گرم می باشد."

۴۹. "ای پیامبر، آنچه را از ناحیه پروردگارت به تو نازل شد، ابلاغ کن (و برسان) و اگر انجام ندهی (نرسانی) اصلاً پیغام پروردگار را نرساندی و خدا تو را از (شر) مردم، نگه می دارد."

۵۰. خصائص نسائی، صفحه ۲۵(رد من تبعه و لحقه من تخلف).

۵۱. مدارک اهل تسنن: مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۳۷۲ – معجم الکبیر جلد ۵، صفحه ۲۰۲ و ۲۰۳، حدیث ۵۰۹۲ - البدایة و النهایة، جلد ۴، صفحه ۳۸۵.

۵۲. در لفظ عربی حدیث این گونه ذکر گردیده است که: "فصلاها بهجیر". کلمه هجیر بر طبق نقل ابن اثیر در کتاب "النهایة" (جلد ۵، صفحه ۲۴۶)، به معنای شدت یافتن گرما در هنگام ظهر است (الهجیر و الهجارة: اشتداد الحر نصف النهار)، در نتیجه معنای این سخن آن می گردد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در شرایطی به همراه سایر مسلمانان نماز جماعت بجای آوردند که هوا به شدت گرم بود؛ همچنین حاکم نیشابوری در "مستدرک صحیحین" (جلد ۳، صفحه ۵۳۳) و طبرانی در "معجم الکبیر" (جلد ۵، صفحه ۱۷۱، حدیث ۴۹۸۶)، از قول یکی از راویان حدیث غدیر نقل می نمایند که هیچ روزی از لحاظ گرما، شدیدتر از روز غدیر بر ما نگذشته بود (ما أتی علینا یوماً کان اشدّ حراً منه). همان طور که مشخص گشت، گرمای هوا در سرزمین غدیر و به هنگام توقف مسلمین به امر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بسیار طاقت فرسا و شدید بوده است، بنا بر این یقیناً توقف کاروانیان در چنان شرایط جوی نامناسب، به فرمان الهی و ابلاغ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، برای ابلاغ امری بسیار حیاتی، حساس و خطیر به مردم صورت گرفته است.

۵۳. مدارک اهل تسنن: ابن مغازلی در مناقب، صفحه ۱۷ – شرح مقاصد تفتازانی، جلد ۵، صفحه ۲۷۳.

۵۴. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ و ۹۳ – اعلام الوری، صفحه ۱۳۹ (و کان یوماً قائظاً شدید الحرّ...، ان اکثرهم لیلفّ ردائه تحت قدمیه من شدّة الرمضاء) – کشف الغمة، جلد ۱، صفحه ۴۸ – کشف الیقین، صفحه ۲۴۱ (و کان اکثرهم یشدّ الرداء علی قدمیه من شدّة الحرّ).

۵۵. مدارک اهل تسنن: مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۵۳۳ – خصائص نسائی، صفحه ۲۸ (با اندکی اختلاف در لفظ) – کنز العمال، جلد ۱، صفحه ۱۸۷، حدیث ۹۵۳ و... (کانی قد دعیت فاجبت).

۵۶. مدارک شیعه: خصال، جلد ۱، صفحه ۶۶ – ارشاد، صفحه ۹۴ (با اندکی اختلاف در عبارت) (انّی قد دعیت و یوشک أن أجیب) – إعلام الوری، صفحه ۱۳۹.

۵۷. مدارک اهل تسنن: صواعق المحرقة، صفحه ۴۳ – سیره حلبیه، جلد ۳، صفحه ۳۳۶ – کنزالعمال، جلد ۵، صفحه ۲۸۹، حدیث ۱۲۹۱۱.

۵۸. مدارک شیعه: خصال، جلد ۱، صفحه ۶۶ – کشف الغمّة، جلد ۱، صفحه ۴۹ و ۴۸ (با اندکی اضافات در عبارت).

۵۹. مدارک اهل تسنن: مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۰۴ و ۱۶۳ – ابن طلحه شافعی در مطالب السئول، صفحه ۱۶.

۶۰. مدارک اهل تسنن: مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۱۰۹ (با اندکی اختلاف در لفظ) – خصائص نسائی، صفحه ۲۱ (نقل با اختصار) – صحیح مسلم، جلد ۷، باب فضائل علی بن ابیطالب، صفحه ۱۲۳ و ۱۲۲ (با اندکی اختلاف در لفظ) – معجم الکبیر، جلد ۵، صفحه ۱۶۷ و ۱۶۶ (حدیث شماره ۴۹۷۱) – کنزالعمال، جلد ۱، صفحه ۱۸۹ و ۱۸۸، حدیث ۹۵۸.

۶۱. مدارک شیعه: خصال، جلد ۱، صفحه۶۷ و ۶۶ (با اندکی اختلاف در عبارت) – کشف الغمّة، جلد ۱، صفحه ۵۰ و ۴۹ (با اندکی اختلاف در عبارت)

۶۲. مدارک اهل تسنن: مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۶۲ و ۱۶۳ – معجم الکبیر جلد ۵، صفحه ۱۶۷ (حدیث شماره ۴۹۷۱).

۶۳. مدارک اهل تسنن: شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۱۹۰ (حتی رئی بیاض ابطیه) – خصائص نسائی، صفحه ۲۱ (انه ما کان فی الدوحات احد الّا رآه بعینه و سمعه باذنه) – معجم الکبیر، جلد ۵، صفحه ۱۶۶ (حدیث شماره ۴۹۶۹)، (ما کان فی الدوحات احد الّا قد رآه بعینه و سمعه باذنه) – کنز العمال، جلد ۱۳، صفحه ۱۰۴، حدیث ۳۶۳۴۰: (ما کان فی الدوحات احد الا قد رآه بعینه و سمعه باذنه).

۶۴. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ (پیامبر دو دست امیر المؤمنین را بلند نمود) – إعلام الوری، صفحه ۱۳۹ – امالی شیخ طوسی، صفحه ۲۴۷ – خصال، جلد ۱، صفحه ۳۱۱.

۶۵. مفهوم این گفتار نبوی اشاره به آیه ۶ سوره احزاب دارد که در آن خداوند می فرماید:

۶۶. " النّبی أولی بالمؤمنین من انفسهم..."

۶۷. "پیامبر نسبت به مؤمنین، از خودشان سزاوارتر و مقدم تر است." معنای اولویت پیامبر بر مؤمنین نسبت به جانهای آنان را می توان بر اساس قرآن کریم و تعالیم معصومین به خوبی دریافت. پروردگار متعال در قرآن مجید آیه ۳۶ سوره احزاب می فرماید:

٦٨. "ما کان لمؤمن و لا مؤمنة اذا قضی الله و رسوله أمرا ان یکون لهم الخیرة..."

۶۹. "هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد." بنابراین، چون اوامر الهی و احکام و دستورات نبوی، مبری از هرگونه انحراف و نادرستی است (به علت کمال محض ذات خداوند و مقام عصمت رسول خدا)، و حق محض می باشد، لذا نه تنها مؤمنین مأمور به اطاعت همه جانبه از آن می باشند، بلکه در برابر آن حتی نباید فکر مخالفت بکنند و یا از حکم خدا و رسول احساس ناخشنودی نمایند؛ بدان معنا که وقتی خداوند و رسول اکرم درباره چیزی، حکمی نمودند، دیگر در آن زمینه، اراده مؤمنین، خواسته ها، علائق و تمایلات نفسانی آنان جایی برای بروز و ظهور نخواهد داشت و حکم الهی و فرامین نبوی،

نسبت به اراده، خواسته ها و تمایلات درونی آدمی، مقدم‌تر و برای اجرا گشتن، سزاوارتر می باشد؛ چرا که قطعاً و به طور یقین آدمی را به صراط مستقیم و حق مطلق راهنمایی می سازد و از پیمودن مسیر باطل باز می دارد. مفهوم اولویت خداوند و رسول او بر مؤمنین نسبت به جانهایشان نیز همین است.

۷۰. مدارک اهل تسنن: صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد ۱، صفحه ۴۳، حدیث ۱۱۶ – مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۲۸۱ (ألستم تعلمون أنّی أولی بالمؤمنین من أنفسهم) –مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۱۱۰ – ذهبی در تاریخ الاسلام، قسمت عهد خلفا، صفحات ۶۲۸ و ۶۳۱ و ۶۳۲ (با اندکی اختلاف در لفظ) – البدایهٔ و النهایهٔ، جلد ۷، صفحه ۳۸۶ – مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۰۴.

۷۱. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ (با اندکی اختلاف در عبارت) (ألست أولی بکم منکم بأنفسکم) – إعلام الوری، صفحه ۱۳۹ (با اندکی اختلاف در عبارت) – خصال، جلد ۱، صفحه ۳۱۱ – تلخیص الشافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۷ (ألست أولی بکم منکم بأنفسکم) – أمالی شیخ طوسی، صفحه ۲۴۷ (ألست أولی بالمؤمنین من أنفسهم).

۷۲. مدارک اهل تسنن: صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد ۱، صفحه ۴۳، (حدیث شماره ۱۱۶) – مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۲۸۱ و... – تاریخ اسلام ذهبی، قسمت عهد خلفا، صفحه ۶۳۲ – البدایهٔ و النهایهٔ، جلد ۷، صفحه ۳۸۶ – فرائد السمطین، باب ۱۳ – خطیب بغدادی در تاریخش، جلد ۸، صفحه ۲۹۰ (ألست ولیّ المؤمنین؟ قالوا بلی) – مناقب خوارزمی، صفحه ۹۴.

۷۳. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ – خصال، جلد ۱، صفحه ۳۱۱ – تلخیص الشافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۷ – امالی شیخ طوسی، صفحه ۲۴۷.

۷۴. مدارک اهل تسنن: مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۱۰۹ (إنّ الله عزّوجلّ مولای و أنا مولی کلّ مؤمن) – البدایهٔ و النهایهٔ، جلد ۷، صفحه ۳۸۶.

۷۵. مدارک شیعه: کمال الدین، جلد ۱، صفحه ۲۷۶ (با اندکی اختلاف در سیاق عبارت) – غیبهٔ نعمانی، صفحه ۶۹ – کشف الغمه، جلد ۱، صفحه ۳۱۸ (أن الله مولای و أنا مولی المؤمنین).

۷۶. مدارک اهل تسنن: صحیح ترمذی جلد ۵، باب ۲۰ (باب مناقب علی بن ابیطالب)، صفحه ۶۳۳، حدیث شماره ۳۷۱۳ – صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد ۱، صفحه ۴۳، (حدیث شماره ۱۱۶) (فهذا ولیّ من أنا مولاه) و جلد ۱ صفحه ۴۵

(حدیث شماره ۱۲۱) – مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۳۷۲ و ۲۸۱ و... – مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۱۱۰ و ۱۰۹ – خصائص نسائی، صفحه ۲۲ – ابن اثیر در کتاب نهایه، جلد ۵، صفحه ۲۲۸ – تاریخ ابن کثیر، جلد ۱۲، صفحه ۲۱۹ – صواعق المحرقه، باب ۹، حدیث ۴، صفحه ۱۲۲ – بخاری در تاریخ الکبیر، جلد ۱، قسم ۱، صفحه ۳۷۵ – التنبیه و الإشراف، صفحه ۲۲۱ (با این اختلاف که مسعودی واقعه غدیر را پس از بازگشت از صلح حدیبیه نقل می کند.)

۷۷. مدارک شیعه: اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۹۵ و ۲۹۴ و جلد ۸، صفحه ۲۷ – ارشاد، صفحه ۹۴ – وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۵۸ – إعلام الوری، صفحه ۱۳۹ – تلخیص الشافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۷– أمالی شیخ طوسی، صفحه ۲۲۷ و ۲۴۷ و...

۷۸. مدارک اهل تسنن: تاریخ مدینهٔ دمشق، جلد ۴۲، صفحه ۲۲۹ و ۲۲۸ - تذکرهٔ خواص الامهٔ، صفحه ۲۹.

۷۹. مدارک شیعه: اصول کافی، جلد ۱ صفحه ۲۹۵ و ۲۹۴ – أمالی شیخ طوسی، صفحه ۲۴۷ – کشف الغمّه، جلد ۱، صفحه ۵۰.

۸۰. مدارک اهل تسنن: صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد ۱، صفحه ۴۳، (حدیث شماره ۱۱۶) – مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۱۰۹ – مسند احمد، جلد ۱، صفحه ۱۴۸و ۱۴۹ – مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۲۸۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و... – البدایهٔ و النهایهٔ، جلد ۷، صفحه ۳۸۶، صواعق المحرقهٔ، باب ۹، صفحه ۱۲۲ (حدیث شماره ۴) – خصائص نسائی، صفحه ۲۱ و ۲۳ و...

۸۱. مدارک شیعه: اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۹۵ و ۲۹۴ – ارشاد، صفحه ۹۴ – أمالی شیخ طوسی، صفحه ۲۵۴ و ۳۳۲ – تلخیص الشافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۷.

۸۲. مدارک اهل تسنن: مسند احمد، جلد ۱، صفحه ۱۱۸ و ۱۱۹ – شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۱۵۷ – مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۰۵.

۸۳. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ – خصال، جلد ۱، صفحه ۶۶ و جلد ۲، صفحه ۴۷۹ – تلخیص الشافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۷.

۸۴. مدارک شیعه: اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۸۹ – کشف الغمّه، جلد ۱، صفحه ۵۰.

۸۵. قسمتی از آیه ۳ سوره مائده: "... امروزست که دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم..."، به غیر از مفسّرینی که نام برخی از آنان در پاورقی شماره ۲۱ ذکر شد و شأن نزول این فراز از آیه را واقعه غدیر دانسته اند، مورخین و محدثین گوناگونی نیز شأن نزول این فراز آیه ۳ سوره مائده را واقعه غدیر برشمرده اند که به عنوان نمونه در

میان مورخین و محدثین اهل سنت می‌توان به ابن عساکر در کتاب تاریخ مدینه دمشق اشاره نمود . تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۲، صفحه ۲۳۴ و ۲۳۳(۳حدیث از ابوهریره) و صفحه ۲۳۷(۱حدیث از ابو سعید خدری).

۸۶. مدارک اهل تسنن: شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۱۵۸ و ۱۵۷ – مناقب خوارزمی، صفحه ۸۰.

۸۷. مدارک شیعه: کمال الدین، جلد ۱، صفحه ۲۷۷ (الله اکبر بتمام النّعمۀ و کمال نبوّتی و دین الله عزّ و جلّ و ولایۀ علی بعدی).

۸۸. مدارک اهل تسنن: مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۲۸۱ – تاریخ اسلام ذهبی، قسمت عهد خلفا، صفحه ۶۳۳ (أصبحت و أمسیت مولی کلّ مؤمن و مؤمنۀ) – ابن اثیر در نهایۀ، جلد ۵، صفحه ۲۲۸ – تاریخ بغداد، جلد ۸، صفحه ۲۹۰ (بخ بخ یا بن ابیطالب، أصبحت مولای و مولا کلّ مسلم) – البدایۀ و النهایۀ، جلد ۷، صفحه ۳۸۶ (هنیئاً لک یابن ابیطالب، أصبحت الیوم ولیّ کلّ مؤمن) – خطیب خوارزمی در مناقب، صفحه ۹۴ – کنزالعمال، جلد ۱۳، صفحه ۱۳۴ (هنیئاً لک یابن ابیطالب، أصبحت و أمسیت مولی کلّ مؤمن و مؤمنۀ).

۸۹. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ – إعلام الوری، صفحه ۱۳۹ – کشف الیقین، صفحه ۲۵۰.

ینادیهم یوم الغدیر نبیّهم بخم فأسمع بالرسول منادیاً

و قال من مولاکم و ولیّکم؟ فقالوا و لم یبدوا هناک التعادیا

إلهک مولانا و انت ولیّنا و لن تجدنّ منا لک الیوم عاصیاً

فقال له قم یا علی فإنّنی رضیتک من بعدی اماماً و هادیا

۹۰. مدارک اهل تسنن: تذکرۀ خواص الامۀ، صفحه ۳۳ – مناقب خوارزمی صفحه ۸۱ و ۸۰ – فرائد السمطین، جلد ۱، سمط ۱، باب ۱۲، حدیث ۴۰ و ۳۹، صفحه ۷۵ و ۷۴ و ۷۳ – کفایۀ الطالب، صفحه ۶۴.

۹۱. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۵ و ۹۴ – إعلام الوری، صفحه ۱۴۰ و ۱۳۹ – أمالی صدوق، صفحه ۴۶۰ (مجلس ۸۴) – خصائص الائمۀ، صفحه ۴۲.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی آیت الله محمد علی جاودان

دفتر مطالعات، پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی

مرکز رسیدگی به امور مساجد